

تصویری از تصویر و تصور

مجموعه
کارهای تصویرسازی
مرتضی ممیز
برای نشریات گوناگون

تصویر و تصور



زمینه‌ی هنرها همین تقیصه است که معمولاً نقدها به تعریف و تمجید و گاهی تقیح و یا حداقل به تشریح و توصیف‌های ادبی می‌انجامد. غافل از نقدی اصولی با محک‌ها و پیمان‌های علمی-نقدی فاقد ابزارهای نقد هر هنر.

دلیل دیگر کسادبازار نشر و نقد در تیمچه‌ی هنر، عافیت‌طلبی، عزلت‌گزینی و جزیی‌نگری برخی از اهالی آن است. جماعتی که به غوره‌ای طبعشان به سردی می‌گراید و به مویزی به گرمی، هرگز از خلسه‌ی تکرار به در نخواهند آمد و از نگرش‌های جزیی به دریافت‌های کلی نخواهند رسید چه این گروه اگر کلی‌نگر بودند نقد و نظر را نیز گوشه‌ای از کل آفرینش هنری خود می‌دانستند... اما آنچه نگارنده را به ذکر این دیباچه کشاند بهانه‌ای بود برای پرداختن به اثر مؤثری که یکی از تأثیرگذارترین هنرمندان بر گرافیک معاصر ایران است.

گفتیم که در بخش هنرها، منبع و مأخذ یا کم هست و یا مدون و منظم نیست و این کمبود و نبود به ویژه در هنر گرافیک محسوس‌تر است تا هنرهایی مثل نقاشی و نگارگری و خوشنویسی و علت عمده آن هم نوبایی هنر جوان گرافیک امروز است و بحق همت عالی آنانی که در راه تدوین و تنظیم مرجع و مأخذ گرافیک امروز ایران گام می‌زنند ستودنی است.

چهل، پنجاه سالی از نوبایی هنر گرافیک امروز ایران می‌گذرد و در این میانه حتی چهار، پنج کتاب یا مرجع قابل استناد نداریم و اگرچه عملی‌ترین دروس دانشگاه‌های هنر در مواجهه با کارهای حرفه‌ای رایج تئوری می‌نماید اما در زمینه‌های نظری نیز هنر گرافیک امروز ایران فقیر است و این فقر و ضعف به ویژه در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش مشهودتر است...

مرتضی ممیز را همه می‌شناسیم. بیش از چهل سال در راه اعتلای گرافیک ایران کوشیده است. او بی‌شک یکی از تأثیرگذارترین هنرمندان گرافیک معاصر ایران است، که هم در عرصه‌ی عملی هنر گرافیک درخشان و هم در عرصه‌ی توضیح و توجیه این هنر. او هر جا که نیاز دیده هنرش را تشریح کرده، درباره‌ی آن سخن گفته، مقالات متفاوتی درباره‌ی گرافیک تألیف و تحریر کرده و از هیچ کوششی برای اعتلای هنر گرافیک معاصر ایران و ارتقای فرهنگ بصری جامعه فروگذار نبوده.

مرتضی ممیز متولد ۱۳۱۵ و فارغ‌التحصیل رشته نقاشی در سال ۱۳۴۴ از دانشکده هنرهای زیباست. او عضو AGI (انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک) و رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران است، در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های متعددی شرکت کرده و در کارنامه‌ی هنری خود دارای تجربیات و تألیفات و مقالات و فعالیت‌های هنری زیادی است. از تألیفات او کتاب‌های «طراحی و نقاشی» برای وزارت آموزش و پرورش (۳ جلد) "GRAPHIC ART IN IRAN" برای شورای عالی فرهنگ و هنر، «نشانه‌ها» (مجموعه نشانه‌های تجاری و فرهنگی)، «طراحی اعلان» و... را می‌توان نام برد.

ادب و هنر در قیاس با نشریات دیگر و به ویژه مطبوعات ادبی تجلی می‌کنند.

از انواع زبان و بیان هنر که بگذریم و به تاریخ و تاریخچه‌ی فرهنگ و ادب و هنر این سرزمین نظری بیفکنیم به روشنی در می‌یابیم که فرهنگ گذشته‌ی ما فرهنگ ادبی بوده است و ادبیات تنه‌ی ضخیم و ضخیم این درخت تناور را تشکیل داده است. درختی که ریشه در اعماق عرفان دارد و با شیره‌ی تخم‌س و تغزل شاخ و برگ گسترانیده، شاخ و برگی که حول محور این تنه بالیده‌اند، هنرهای دیگری هستند که بازتابنده‌ی مضامین منتقل شده توسط این تنه‌ی قطورند.

خوشنویسی و آواز نزدیک‌ترین هنرها به ادبیاتند. خوشنویس واژه‌ها را به زیبایی در کنار یکدیگر می‌چید و خود با تن‌پوشی از انواع تذهیب و تشریح جلوه‌گری می‌کرده و در کنار این توضیح و تشریح و در عین حال زیبایی بیشتر، هم‌نشین قالب‌هایی از نگارگری می‌شده و بالاخره وراقان و صحافان برای همه‌ی این هنرها پوشینه‌ی نهایی را می‌ساخته‌اند. از سویی دیگر برخی از همین نقوش و خطوط بر سطوح داخلی و خارجی بناهای معماری آذین می‌شدند.

آواز که خود قرائت آهنگین همین ادبیات است، سازهای دیگر را به دنبال خود فرامی‌خواند. نمایش‌های سنتی نیز از ادبیات می‌آغازی‌اند و الخ...

یکی از دلایل فقدان نقد صحیح و اصولی در

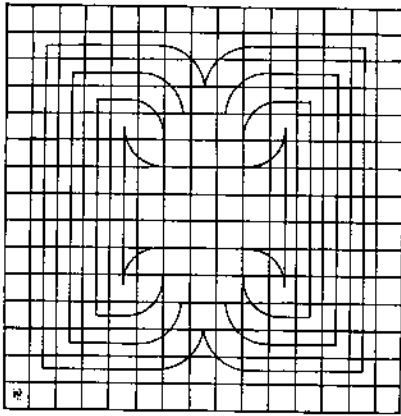
● فرزاد ادیبی

- تصویر و تصور
- مرتضی ممیز
- انتشارات اسپرک، ۱۳۶۸

در ابتدا می‌خواستیم نقدگونه‌ای بر آثار مرتضی ممیز در کتاب تصویر و تصور بنویسیم، منصفانه و بی‌هیچ تعارفی. آینه‌ای در دست در مقابل آثاری که سالیانی با آنها زندگی کرده بودم، با شمانت ایستادم. آینه انعکاس نوری بود که می‌وزید از لابه‌لای بافت‌های خشن و خطوط نرم.

از سایه به سایه روشن و سپس به روشنی رسیده بودم و آینه لرزان همچنان می‌تایید. لختی درنگ از خلسه‌ی کنکاش بیدارم کرد آنجا که دانستم آینه منیر است از نوری که چون خورشید بر آن می‌تایید...

معمولاً در بخش هنرها مأخذ و منبع مکتوب یا کم هست و یا مدون و منظم نیست و به طور معمول گفتار و نوشتار در این اقلیم راهی ندارد چون اهالی هنر خود به زبانی غیر از ادبیات تکلم می‌کنند. موسیقی‌دان‌ها با زبان خویش و سینماگران و تئاتری‌ها نیز با بیان خود. هنرمندان تجسمی نیز با واژه‌های قاموس خودشان سخن می‌رانند و در این میانه زبان ادبی اگر الکن نباشد، قاصر است. گواه این مدعا تعداد انگشت‌شمار عنوان‌ها، کتاب‌ها و نشریات هنری است که در چهار سوق فرهنگ و



کار شده‌اند البته تغییر آثار بر روی محور طبیعت‌گرایی انتزاع باتوجه به موضوع آنهاست و این تنوع به جذابیت و زیبایی آنها افزوده است.
 فرم: فرم‌های تصاویر این کتاب جافناده و از پختگی ذهن و ضمیر طراح حکایت می‌کنند و این درحالی است که بسیاری از تصاویر مربوط به روزگار جوانی طراح است. در برخی از تصاویر فرم‌های انسانی که دفرمه شده‌اند به گروتسک نزدیک شده‌اند. اما نوعی اکسپرسیونیسم تلطیف شده در اکثر فرم‌ها موج می‌زند. در برخی از فرم‌ها، به خصوص فتومونتاژها استفاده از تضاد سیاهی و سفیدی، خشونت‌های عصبانگیزانه دارند که با مهارت طراح در استفاده از انواع تکنیک‌ها مهار شده‌اند.

اصول درست ترجمه تصویری است. تناسب با حس و حال مطلب در جایی با شوری شاعرانه قلم زده (تصویر ۱) و در جایی دیگر با شعوری معمارانه (تصویر ۲) به جرئت می‌توان گفت این کارنامه تنها مجموعه قابل استاد و جالب توجه در عرصه تصویرسازی برای مطبوعات ایران است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تصویر و تصور، مجموعه کارهای تصویرسازی مرتضی ممیز برای نشریات گوناگون، چاپ اول، ۱۳۶۸، انتشارات اسپرک، صفحه ۵
- ۲- یک اثر مؤلف علاوه بر هماهنگی منطقی و هنری بین همه عناصر الف: محتوا و موضوع، ب: مخاطب، پ: قالب و ت: بسترهای بروز و نمایش، فرازمانی و فرامکانی است. رجوع شود به: تصویرسازی مؤلف، فرزاد ادیبی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴ و ۱۳، صفحات ۳۵ تا ۳۷
- ۳- تصویر و تصور، مجموعه کارهای تصویرسازی مرتضی ممیز برای نشریات گوناگون، چاپ اول، ۱۳۶۸، انتشارات اسپرک، صفحه ۱۳



ترکیب‌بندی: هرچند که ترکیب‌بندی این آثار باید در مجموعه صفحه‌آرایی‌شان و همراه با متن و عنوان صفحه داوری شود اما جدا از صفحه آرایی، این تصاویر به تنهایی هم از ترکیب‌بندی جافناده‌ای برخوردارند آزادی و راحتی طراح در حذف و یا اضافه کردن تصاویر، استفاده از انواع بافت‌ها، تکرارها و ریتم‌ها، استفاده از انواع کنتراست‌ها - مخصوصاً تباین سیاهی‌ها با سفیدی‌ها - به اعتلای ترکیب‌بندی کمک کرده است.

بافت: کتاب مملو از بافت است بافت‌های اتفاقی، ارگانیک، منظم و انواع ترم. آنچه شایان توجه است اینکه طراح با هوشمندی از بافت‌ها برای جبران نقیصه رنگ - در کارتک رنگ مطبوعات - سود برده و با کنترل بافت‌ها هم به برجسته شدن آثار کمک کرده و هم به بیانگرایی (اکسپرسیو) فرم‌ها افزوده و هم عیارنوگرایی کارها را بالا برده است.

ایده: اگرچه برای داوری در این بخش نیاز به خواندن مطالبی است که این تصاویر ترجمه‌ی آنها هستند اما آثار به تنهایی کامل‌اند و اکثر آنها ایده‌ی درخور توجهی دارند. ذهن سیال و ایده‌پرداز طراح در تعداد زیادی از این آثار نمایان است و آثار این مجموعه را در زیر عنوان تصویرسازی مؤلف^۲ جای می‌دهد.

جای امضا: امضای طراح به نقش‌مایه نزدیک است و طراح از این امکان به خوبی استفاده کرده است در برخی از آثار، این نقش‌مایه (موتیف) بخشی از فرم است و حتی در بعضی از کارها تکرار شده و جزء بسیار طبیعی و لاینفک طراحی شده است. در تعداد محدودی از تصویرسازی‌ها امضای طراح را به انگلیسی می‌بینیم که البته امضا و نشانه نیست. او درباره‌ی جای امضایش می‌گوید:

«در آن ایام افتاده بودم روی قوز دگرگونی؛ فکر می‌کردم قرار نیست امضا همیشه در پایین کار باشد می‌توان از آن به عنوان یک نقش یا یکی از عناصر کمپوزیسیون تصویر استفاده کرد. این بود که براساس فضا و ترکیب کمپوزیسیون جای امضا را انتخاب می‌کردم...»^۳

با وجود گذشت سال‌ها از زمان خلق این تصاویر، هنوز هم تازگی تکنیک و قدرت طراحی ایشان به عنوان سرمشق تصویرسازی برای دانشجویان قابل تدریس و تحقیق است. گستره نگاه طراح از رئال تا انتزاع و از اکسپرسیونیسم تا رمانتیسیسم وسعت دارد و این نشان‌دهنده‌ی تعهد و پایبندی طراح به

«تصویر و تصور» نیز یکی از مجموعه آثار مرتضی ممیز در ۲۳۳ صفحه است و شامل تصویرسازی‌های او برای نشریات گوناگون. این کتاب قطع خشتی ۲۳×۲۳ سانتی‌متر و تک رنگ (مشکی) است با کاغذ تحریر سفید. در ابتدای این کارنامه مقدمه‌ای با عنوان «در این سوی مصور کردن» به قلم مرتضی ممیز نگارش یافته که نکات قابل توجهی را ذکر کرده است. در بخشی از این مقدمه چنین می‌خوانیم:

«به طور کلی ارزش هر کار به دوگونه سنجیده می‌شود. اول ارزش توانایی تصویرگر در انتقال برداشت‌های حسی درست و هنرمندانه‌اش از موضوع است. میزان درستی برداشت تصویرگر بستگی به میزان خلوص بیان او دارد که خود متکی به عوامل گوناگونی از جمله تجربه و مهارت و از همه مهم‌تر دل‌سپردگی کامل به کار و شفافیت روح او است خلوص بیان به کار، حالتی سهل از جهت درک و پذیرش آن به وسیله‌ی بیننده و ممتنع از جهت ایجاز و استحکام اجرایی آن می‌دهد. رسیدن به خلوص، تمرینی پیگیر و موشکافانه می‌خواهد. باید همیشه نگاهی جستجوگر داشت و دائم همه‌ی دریافت‌ها را محک زد و هر محکی را با محک دیگر اندازد زد...»^۱

در بخش بعدی این کتاب گفت‌وگوی زنده‌یاد «فیروزه صابری» با «مرتضی ممیز» را می‌خوانیم که برگردان این گفت‌وگو به زبان انگلیسی هم در آخر کتاب افزوده شده است. این پرسش و پاسخ شامل روند آشنایی ممیز با هنر گرافیک است و هم‌چنین شروع کار حرفه‌ای او و تصویرسازی‌هایش برای مجله «ایران آباد»، «کتاب هفته» و...

تعداد تصاویر این کتاب به این شرح است:
 ۵ تصویر از مجله «ایران آباد»، ۶۸ تصویر از «کتاب هفته»، ۸ تصویر از مجموعه «داستان‌های قرآن»، ۱۲ تصویر از مجلات «کاوش» و «نگین» و روزنامه «کیهان اینترنشنال»، ۱۱ تصویر برای «شاهنامه»، ۱۶ تصویر از مجله «رودکی»، ۹ تصویر از مجله «فرهنگ و زندگی»، ۵ تصویر از فیلم «سیاه پرنده»، ۹ تصویر دست، ۵۱ تصویر چهره و ۱۰ تصویر با عنوان «بقیه».

تکنیک: تکنیک یا نوع اجرای تصویرسازی‌ها از بداعت کم نظیری برخوردار است - مخصوصاً با توجه به زمان طراحی آنها - بیشتر تکنیک‌های به کار رفته در تصاویر این مجموعه حاصل جستجوها و تجربه‌های شخصی طراح بوده و خارج از تعریف‌های عام هستند اما در برخی از تصاویر از تکنیک‌هایی چون: انواع قلم‌های اثرگذار، زیاتون، انواع مونوپرینت، انواع فتومونتاژ، انواع اسکراچ بورد و گواش استفاده شده است.

طراحی: دست قوی طراح در اجرا و دید قوی او در همه آثار به چشم می‌خورد. عموماً نوع خط‌ها بیانگر است و کمتر از خطوط ساختمانی استفاده شده که نشان‌دهنده نگرش طراح است، نگرشی حسی و شاعرانه. طبیعت‌گریزی و دفرماسیون تا حد مطلوب است. آثار - به جز چند مورد - به انتزاع صرف گرایش ندارند. طبیعت‌گرایی نیز در آثار به چشم نمی‌خورد حتی در آثاری که با استفاده از عکس (فتومونتاژ)